فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹٦
صفحات ۲۷ – ٤٤

تبیین هم‌گرایی سیره‌نگاران شیعی ایرانی عصر پهلوی اول با اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر

هادی یعقوب زاده[۱]
محمد مهدی باباپور گل افشانی[۲]
عباس احمدوند[۳]

چکیده

جانشینی پیامبر، از مهم‌ترین مسائل چالشی میان شیعه و اهـل سـنّت بـوده‌اسـت. ایـن موضوع در اندک مکتوبات سیره‌نگاران شیعی ایرانی عصر پهلوی اول نیـز بازتـاب‌هـای متفاوتی داشته است. در کنار تأکید بر دیدگاه امامیه مبنی بـر حقانیـت امـام علـی‌ؑ در جانشینی پیامبر، در برخی از مکتوبات شیعیان این دوره، تبیینی همگرایانه با اهل سـنّت از مسئله جانشینی پیامبر ارائه شده است. مسئله پژوهش حاضر، علل همگرایی برخی از سیره‌نگاران شیعی ایرانی با دیدگاه اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر در عصر پهلوی اول است. این پژوهش با رویکرد توصیفی–تحلیلی با بررسی اطلاعـات موجـود دربـاره وضع مذهبی دوره رضا شاه و بررسی سیره‌های نوشته شده توسط سـیره‌نگـاران شـیعی ایرانی درصدد پاسخگویی به پرسش فوق است. ایـن بررسـی نشـان داد سیاسـت ضـد مذهبی رضاشاه و موج فزاینده دگراندیشـی در آن دوره، از مهـم‌تـرین علـل همگرایـی سیره‌نگاران شیعی ایرانی با دیدگاه اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر است.

کلیدواژه‌ها: ایرانشهر، تاریخ‌نگـاری عصـر پهلـوی، جانشـینی پیـامبر، خلیلـی، رهنمـا، سیره‌نگاری شیعی ایرانی، لواسانی، مهرین.

---

۱. دکتری مدرسی معارف اسلامی، گرایش تاریخ و تمدن اسـلامی دانشـگاه شـهید بهشـتی (نویسـنده مسـئول). h_yaghoubzadeh@sbu.ac.ir
۲. دانشیار گروه فقه سیاسی دانشگاه شهید بهشتی. M_Babapour@sbu.ac.ir
۳. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه شهید بهشتی. a_ahmadvand@sbu.ac.ir
دریافت: ۹٦/۰۳/۲۵ پذیرش: ۹٦/۰٦/۳۰

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

مقدمه

جانشینی پیامبر از بنیانی‌ترین مسائل اسلامی است که باعث شکل‌گیری دو جریان عمده تشیع و تسنن در جامعه اسلامی شده است. در حالی که شیعیان بر تنصیصی بودن امامت از سوی خداوند تأکید دارند، اهل سنّت این امر را در حیطه اختیارات مردم می‌دانند. بر این اساس، شیعیان معتقدند پیامبر از جانب خداوند متعال حضرت علی علیه‌السلام را در مقاطع مختلف، به‌ویژه در یوم الدار و واقعه غدیر به عنوان جانشین خود معرفی کرد. اما اهل سنّت معرفی جانشین از سوی پیامبر را انکار کرده و واقعه غدیر و نظایر آن را زمینه‌ای برای اعلام لزوم دوست داشتن علی علیه‌السلام می‌دانند. این موضوع در دوره معاصر و در اندک سیره‌های نوشته شده به وسیله نویسندگان شیعه در عصر رضا شاه (۱۳۰٤-۱۳۲۰ش) نیز آمده است. بررسی‌ها نشان داد که در این دوره، از میان معدود آثار منتشر شده درباره پیامبر، تنها پنج کتاب *پیامبر* نوشته زین العابدین رهنما، *محمد و تعلیمات عالیه اسلام* نوشته حسین کاظم‌زاده ایرانشهر، *خاتم النبیین* نوشته عباس مهرین شوشتری، *تاریخ النبی احمد* نوشته حسن نجفی لواسانی و *تأثیر شخصیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله* *پیشوای بشر در عالم* نوشته محمد علی خلیلی، به صورت تک‌نگاری به زندگی آن حضرت پرداختند. این آثار در فاصله زمانی ۱۳۱٦ تا ۱۳۲۰ش نگاشته شده‌اند. از این میان تنها کتاب *تأثیر شخصیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله* اثر خلیلی در ایران نوشته شده است و مابقی در خارج از کشور تألیف شده و سپس در ایران منتشر شده‌اند. کاظم‌زاده ایرانشهر، لواسانی و خلیلی برغم رویکردهای متفاوت، امام علی علیه‌السلام را جانشین بر حق پیامبر می‌دانند. در حالی که رهنما از بیان حدیث غدیر روی‌گردانده و مهرین نیز اساساً جانشینی امام علی علیه‌السلام را قبول نداشته و حدیث غدیر را به مانند اهل سنّت تفسیر کرده است. این پژوهش درصدد است با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی علل همگرایی آثار رهنما و مهرین با اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر بپردازد.

دگراندیشی و رویگردانی از باورهای شیعی در برخی از نویسندگان عصر رضا شاه یکی از عوامل همگرایی با آراء کلامی اهل سنّت بوده است. این دگراندیشی با سیاست‌های رضا شاه تقویت و به نشر آثاری مخالف با مبانی اعتقادی شیعی منجر شد. به همین رو تألیفات عصر پهلوی اول مورد بررسی قرار گرفته است. فشارها و

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

مشکلاتی که سیاست‌های رضا شاه برای روحانیت شیعه به وجود آورد، این امکان را از آنها گرفت تا بتوانند تلاشی شایسته در نگارش سیره پیامبر انجام دهند. در خلأ به وجود آمده آثاری در تقابل جدی با باورهای شیعی منتشر شد. هم‌چنان‌که فضای به وجود آمده پس از شهریور ۱۳۲۰ و نشر آثار متعدد درباره زندگی پیامبر از سوی علما و دانشمندان شیعی، به اصلاح آثاری همچون کتاب *پیامبر* نوشته رهنما انجامید.

بنابراین، به منظور راستی آزمایی فرضیه فوق و بررسی امکان تعمیم آن بر نویسندگان مورد بحث، نوشتار حاضر با توجه به وضع دین در عصر رضا شاه پهلوی، سیره‌های مکتوب در این عصر را بررسی خواهد کرد تا علل همگرایی آنان با آراء اهل سنّت روشن شود.

پیشینه پژوهش

بررسی‌ها نشان داد تاکنون آثار مورد بحث از منظر مسئله جانشینی پیامبر به صورت تطبیقی مورد بررسی قرار نگرفته‌اند. جز نقدهایی پراکنده بر کتاب *پیامبر* نوشته رهنما، حتی نقدی جامع بر این آثار نگاشته نشده است. علی کیا در متنی یک صفحه‌ای، در *درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۱۰، تحت عنوان «باز هم درباره کتاب *پیامبر*» به نقد یکی از گزارشهای تاریخی این کتاب پرداخته است. علی قدوسی نیز در «بررسی یک کتاب/کتاب *پیامبر*»، در شماره ٤ مجله *درس‌هایی از مکتب اسلام*، بر بی‌توجهی او به موضوع غدیر خرده گرفته است. از این رو، تحلیل جامعی درباره این آثار حتی به‌صورت جداگانه انجام نشده‌است و نوشته حاضر از این جهت بدیع می‌باشد.

۱. سیاست‌های ضد مذهبی رضا شاه پهلوی

رضا شاه پس از دست‌یابی به قدرت در سال ۱۳۰٤ش، خود را پایبند به مذهب نشان داد. او در مراسم تحلیف، به ترویج مذهب جعفری اثنی عشری سوگند یاد کرد (مکی، ۱۸/٤). در مراسم تاج‌گذاری حفظ اصول دیانت و تشیید مبانی آن را به عنوان یکی از وسائل موثر وحدت ملی، وظیفه خود اعلام کرد (همان، ٤۰/٤). او پس از پیروزی بر شیخ خزعل به زیارت عتبات و دیدار علما در عراق رفت و در مراسم عزاداری محرم با پای برهنه شرکت کرد (دیگار و دیگران، ۱۱۱). اما این ظاهر سازی چندان طول نکشید.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

لغو برگزاری برخی از آیین‌های اسلامی که به طور سنّتی از سوی دربار انجام می‌شد (بهبودی، ۲۹۹)، ممنوعیت عزاداری محرم و به راه انداختن کارناوال‌های شادی در شب عاشورا (مکی، ۲۲/٤)، تغییر پوشش، کشف حجاب، تأسیس «سازمان پرورش افکار» برای کنترل روحانیان، از جمله اقدامات رضا شاه در تقابل با مذهب بود. حذف فقه شیعه از نظام قضایی و کوتاه کردن دست روحانیون از دستگاه عدلیه و عرفی‌گرایی در آیین نامه‌های قضائی و لغو قانون معافیت روحانیون در سال ۱۳۱۷ش از دیگر اقدامات او برای کاستن از قدرت روحانیت در جامعه بود (دیگار، ۱۰۰-۱۰۱). ضمناً به منظور کاستن از توان مالی روحانیون، به دستور رضا شاه بسیاری از موقوفات تحت سرپرستی علما، مصادره شد. رضا شاه تلاش کرد از قدرت سیاسی روحانیون نیز بکاهد. ممانعت از حضور روحانیون در مجلس (فوران، ۳۳٤) و اعمال محدودیت در پوشیدن لباس روحانیت و تحقیر آنان در روزنامه‌ها و تبلیغات رسمی دولت، در این راستا صورت گرفت (دیگار، ۱۱۲). این عوامل باعث کاهش طلاب در مدارس علمیه شد، به طوری‌که در این دوره، شمار طلاب مدارس دینی از ۵۹۸٤ نفر به ۷۸۵ نفر رسید (آبراهامیان، ۱۸۰).

سیاست‌های رضا شاه در زمینه فرهنگی که متکی بر ایرانی‌گرایی افراطی، غرب‌گرایی در تمام مظاهر زندگی و ترویج باستان‌گرایی بود، نقشی اساسی در کم‌توجهی اندیشمندان جامعه به تاریخ اسلام و به تبع آن سیره‌نگاری داشت. ترویج عرفی‌گرایی در جامعه از طریق آموزش، کوشش دیگری برای زدودن مذهب از جامعه بود. عرفی کردن کتاب‌های درسی و تهی کردن محتوای آنها از مضامین دینی در این راستا صورت می‌گرفت. از این رو، به حاشیه راندن و نادیده گرفتن وقایع ظهور پیامبر و ذکر غزوات آن حضرت تنها در پنج صفحه در سال ۱۳۰۹ش، و کاهش بیشتر آن در سال ۱۳۱۷ش، نمادهایی از ویژگی عرفی‌گرایانه حاکمیت پهلوی و نفوذ آن در کتب درسی است (حامدی، ۲٦۰).

وضعیت نگارش سیره نبوی در عصر رضا شاه

در دوره رضا شاه تک‌نگاری اندکی در سیره پیامبر نوشته شد. توجه به باستان‌گرایی و ترویج روحیه شاه پرستی، تقابل با مذهب، کنار زدن روحانیت و ترویج فرهنگ غربی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

از جمله عواملی بود که فضای جامعه را از مباحث سیره نبوی دور می‌کرد. به همین رو، کتاب‌های دینی، کمتر از ۲۱ درصد آثار منتشر شده در سال‌های ۱۳۱٦ تا ۱۳۲۰ش، را به خود اختصاص داد (گودرزی، ٦۰). طبعا بخش ناچیزی از این میان به سیره نبوی اختصاص می‌یافته‌است. البته آثاری در رابطه با مباحث نبوت یا موضوعات پیرامون پیامبر منتشر شده که از موضوع بحث خارج است.[۱] در سال ۱۳۱٦ش، زین العابدین رهنما[۲] جلد اول کتاب *پیامبر* را به زبان فارسی نوشت و در دمشق به چاپ رساند (مشار، ۹۷۱/۱). این کتاب با نثری داستانی و شبه رمان، از شیواترین نمونه‌های ادبیات منثور معاصر ایران دانسته شده است (باوسانی[۳]، ۱۱۹). جلد دوم و سوم آن به ترتیب در سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۵ش در ایران منتشر شد (رهنما، ۲٦٤، ٤۹۸). این کتاب در ۱۹۵۷م/۱۳۳٦ش، به وسیله مؤسسه کولومب[٤] در پاریس به فرانسوی و در ۱۹٦٤م/۱۳٤۳ش، توسط ال ول ساتن[۵] به انگلیسی ترجمه شد (همو، ۱۳٤۸، ۲). حسین کاظم‌زاده ایرانشهر[٦] نیز در سال ۱۳۱٦ش، کتاب *محمد و تعلیمات عالیه اسلام* را به زبان

۱. مانند کتاب *محمد رسول الله* (کتاب الهادی) از میرزا هادی نوری مازندرانی که حاوی دیدگاه‌های اروپائیان درباره پیامبر است و در سال ۱۳۱۳ش در مطبعه مجلس به چاپ رسیده است. نمونه دیگر کتاب رهبر سعادت یا دین محمدﷺ نوشته حسین خادمی است که در آذر ۱۳۱۸ش در چاپخانه و کتابخانه مرکزی در تهران منتشر شد که در آن نگارنده در قالب گفتگوی برنا و پیر، مباحثی را درباره اثبات صانع، ابطال مذهب مادیین، اثبات یگانگی خدا، ضرورت وجود پیغمبر و نظیر اینها آورده است.

۲. زین العابدین رهنما در سال ۱۲٦۹ یا ۱۲۷۲ش در کربلا به دنیا آمد. وی پس از تحصیلات حوزوی و پوشیدن لباس روحانیت به ایران بازگشت و علاوه بر نمایندگی مجلس، در مناصب مختلف سیاسی حضور پیدا کرد (مشار، ۲٦٤/۳-۲٦۵؛ رنجبر عمرانی، ۹٦). رهنما در کنار فعالیت‌های سیاسی که به کنار گذاشتن لباس روحانیت منجر شد، به روزنامه‌نگاری نیز روی آورد. او که از طرفداران رضا شاه بود، در سال ۱۳۱٤ش به دلیل انتقاد از رژیم، به زندان افتاد و سپس به لبنان تبعید شد. او پس از سقوط رضا شاه به ایران بازگشت و در کنار فعالیت‌های سیاسی، در زمینه نویسندگی نیز فعال شد. رهنما در سال ۱۳٦۸ش در تهران درگذشت (رنجبر عمرانی، ۹۸-۱۰۱).

3 .Bausani

4 .La Colombe Edition de Vieux Colombier. S.A

5 .Elwell-Sutton

٦. حسین کاظم‌زاده ایرانشهر سال ۱۲٦۲ش، در تبریز به دنیا آمد. وی پس از گذراندن تحصیلات اولیه در تبریز، به اروپا رفت و تا پایان عمر در کشور سویس زندگی کرد (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۱ به بعد). ایرانشهر در ۲۷ اسفند ۱۳٤۰ش درگذشت (همان، ۳۸۹).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

آلمانی نگاشت. این کتاب در سال ۱۳٤۳ش، به کوشش عباس مجذوب صفا به فارسی ترجمه و به همت انتشارات اقبال در تهران منتشر شد (بنی آدم، ۱۰۳).

در سال ۱۳۱۹ش حسن نجفی لواسانی[۱] جلد اول کتاب *تاریخ النبی احمد* را به زبان عربی در شهر صیدا در کشور لبنان، به وسیله مطبعه العرفان منتشر کرد (آقا بزرگ، ۲۹۰/۳). جلد دوم این اثر نیز در همان‌جا در سال ۱۳٦۷ق/۱۳۲۷ش، به چاپ رسید (رفاعی، ۳٤۲/۱). همچنین در این سال، کتاب *خاتم النبیین* از عباس مهرین شوشتری[۲] در شهر میسور[۳] هند منتشر شد. این کتاب در ایران برای اولین بار به وسیله انتشارات کلاله خاور در سال ۱۳۲٤ منتشر و سپس در سال ۱۳٤۹ش به چاپ مجدد رسید (همان، ۵۰۸/۱). در سال ۱۳۲۰ش، نیز محمد علی خلیلی[٤] کتاب *تاثیر شخصیت محمد پیشوای بشر در عالم* را در ۲۱۸ صفحه به زبان فارسی نگاشت و به وسیله انتشارات اسلامیه در تهران منتشر کرد (همان، ۳۲۳/۱).

۲. دیدگاه‌های مکتوبات عصر پهلوی اول درباره جانشینی پیامبر

به طور کلی در آثار مورد بحث دو دیدگاه درباره جانشینی پیامبر مطرح شده است: ۱. اثبات حقانیت حضرت علی علیه‌السلام در جانشینی پیامبر ۲. همگرایی با آراء کلامی اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر.

در حالی که ایرانشهر، لواسانی و خلیلی همگام با دیگر نویسندگان شیعی

۱. حسن نجفی لواسانی، فقیه، متکلم، مورخ و ادیب امامیه (آقا بزرگ، ۲۹۰/۳) در سال ۱۳۰۸ در نجف متولد شد و پس از کسب علم به تبلیغ در عراق و لبنان پرداخت. او در اواخر عمر به تهران آمد و در سال ۱۳۵۸ش درگذشت.

۲. عباس مهرین شوشتری در سال ۱۲۵۹/۱۲۹۸ش در حیدرآباد هند متولد شد. مهرین بخشی از تحصیلات خود را در کاظمین گذراند. سپس برای ادامه تحصیل به بسیاری از کشورهای دنیا سفر کرد. او در سال ۱۹۱۸م، در دانشگاه میسور هند استخدام شد و در سال ۱۹٤۰م، بازنشسته شد و به ایران بازگشت (مهرین، ۹۲-۹۳). مهرین میهن‌پرستی و علاقه به سید الشهداء و اسلام را از ویژگی‌های خود می‌داند و می‌گوید در هیچ‌جا از انجام وظایف شرعی کوتاهی نکرده است (جمشیدی، ۳۳۲). با این حال، کتاب او فاصله زیادی با باورها و نگرش‌های شیعی دارد.

3 .Mysore

٤. علی‌رغم بررسی‌های صورت گرفته، اطلاعات زیادی درباره وی یافت نشد. خلیلی از نویسندگان مجله آئین اسلام بود که در سال ۱۳۲۳ش، منتشر می‌شد. وی آثار متعددی درباره تاریخ اسلام پدید آورد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

بر حق حضرت علی علیه‌السلام در جانشینی پیامبر تأکید ورزیده‌اند، رهنما در موضعی دو پهلو و مهرین با انکار جانشینی حضرت علی علیه‌السلام با آراء کلامی اهل سنّت همراه شده‌اند. در ادامه به دیدگاه نویسندگان فوق در مسئله جانشینی پیامبر پرداخته خواهد شد.

۱-۲. اثبات حقانیت حضرت علی علیه‌السلام در جانشینی پیامبر

ایرانشهر در کتاب مختصر *محمد و تعلیمات عالیه اسلام* به واقعه غدیر خم[۱] و نصب علی علیه‌السلام به جانشینی پیامبر اشاره کرده و آیه اکمال[۲] را ناظر به تکمیل دین به واسطه اعلام جانشینی علی علیه‌السلام می‌داند (ایرانشهر، *محمد و تعلیمات عالیه اسلام*، ٤٥). ایرانشهر در بحث از اعیاد مسلمانان، به عید غدیر به عنوان روز نصب حضرت علی علیه‌السلام به جانشینی پیامبر اشاره و از جشن گرفتن شیعیان در این روز خبر داده است (همو، ١٤٢). ایرانشهر با گرایش صوفیانه می‌کوشد تبیینی باطنی از تعالیم اسلام ارائه کند. به نظر او هر دینی ظاهری دارد که عوام آن را می‌فهمند و باطنی دارد که تنها خواص آن را می‌فهمند. او معتقد است حقیقت دین، باطن آن است و حکمت الهی در این گونه تعالیم قرار دارد (همو، ٣-٤). ایرانشهر بر این باور است که هر شارع، پیروی خاص داشته که آن پیرو او را بهتر و بیشتر از بقیه می‌شناخته و نسبت به او وفادارتر و تسلیم‌تر بوده است. این پیرو خاص برای کریشنا؛[۳] منجی هندی، آرجونا،[۴] برای زرتشت

۱. غدیر خم محلی میان مکه و مدینه است که تا جحفه دو میل فاصله دارد (بغدادی، ۹۸۵/۲). در این محل، در هجدهم ذی‌الحجه سال دهم و در راه بازگشت از حجه الوداع، پیامبر حضرت علی علیه‌السلام را جانشین خود معرفی کرد. این جریان در منابع مختلف تاریخی، روایی، تفسیری و حتی لغوی ذکر شده است (امینی، ٢٦/١-٢٩). در برخی از منابع، علی‌رغم ذکر حجه الوداع، به جریان غدیر اشاره نشده است (ابن هشام، ٦٠١/٢-٦٠٥؛ صالحی شامی، ٤٥٠/٨-٤٨٩). البته حلبی (د. ١٠٤٤) به این حدیث اشاره کرده و آن را صحیح دانسته و بر کسانی که آن را ضعیف شمرده‌اند، خرده گرفته است (حلبی، ٣٨٤/٣). دیار بکری (د. ٩٦٦) نیز درباره این واقعه نوشته است: در غدیر خم، پیامبر درباره علی علیه‌السلام فرمود: «هر کس من مولای اویم، پس علی علیه‌السلام نیز مولای اوست» (دیار بکری، ٣٥١/١). با این وجود، در منابع اهل سنت واژه مولا در عبارت «من کنت مولاه فعلی مولاه» به معنای دوستی و محبت تفسیر شده است (حلبی، ٣٨٦/٣).

۲. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً؛ امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم» (مائده/ ٣).

3. Krichna

4 .Ardjuna

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

مدیومه،[1] برای حضرت موسی علیه‌السلام یوشع،[2] برای بودا آنوندای[3] راهب و برای حضرت عیسی علیه‌السلام یوحنا[4] بوده است. پیرو خاص پیامبر نیز حضرت علی علیه‌السلام بوده که پیامبر اسرار و رموز را به او یاد داده است[5] (همو، ٤). ایرانشهر حقانیت علی علیه‌السلام را برای احراز جانشینی آن حضرت مربوط به مراد و مریدی وی با پیامبر می‌داند.

خلیلی در کتاب *تاثیر شخصیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیشوای بشر در عالم*، با نقل جریان یوم الدار[6] بر حقانیت علی علیه‌السلام در احراز منصب جانشینی پیامبرصحه گذاشته است (خلیلی، *تاثیر شخصیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیشوای بشر در عالم*، ۱۰۱-۱۰۲). وی همچنین، در کتاب *خلفا راشدین* -که آن نیز در سال ۱۳۲۰ منتشر شده است- از جریان سقیفه بنی ساعده به عنوان اقدامی ناخوشایند یاد می‌کند که عامل تفرقه در جهان اسلام شد و مشکلات فراوانی به تبع آن بر اسلام وارد شد (خلیلی، *خلفا راشدین*، ٤). خلیلی با طرح دیدگاه‌های مختلف درباره خلافت و امامت در اسلام، دیدگاه شیعیان مبنی بر تنصیصی بودن و وقوع آن در خاندان پیامبر را ترجیح داده و حفظ امامت در خاندانی طاهر و

1 .Medyoman

2 .Josua

3 .Ananda

4 .John

۵. ذکر شخصیت‌هایی همچون بودا و کریشنا در کنار پیامبران الهی، به دلیل مبنای صوفیانه ایرانشهر است. او بر این باور است که اصل تعالیم همه مذاهب از یک منبع حقیقت نشأت گرفته و تفاوت‌شان تنها در فرم و شکل تعالیم است. او معتقد است تصوف و عرفان می‌تواند همه اینها را در کنار یکدیگر جمع کند (ایرانشهر، *محمد و تعلیمات عالیه اسلام*، ۵).

٦. پس از سه سال دعوت مخفیانه، پیامبر به واسطه نزول آیه «و خویشان نزدیکت را هشدار ده» (شعراء/ ٢١٤)» دعوتش را علنی کرد. پیامبر خویشانش را دعوت کرد. پس از به هم خوردن جلسه اول توسط ابو لهب، آن حضرت در جلسه دوم، آنان را به اسلام دعوت کرده و فرمود: «کدام یک از شما مرا در این امر یاری می‌کند، تا برادر و وصی من و جانشین من در میان شما باشد»، این سخن که سه بار تکرار شد، تنها با لبیک علی علیه‌السلام که در آن هنگام نوجوان بود، همراه گردید. پیامبر این لبیک را پاسخ داد و علی علیه‌السلام را به عنوان برادر، وصی و جانشین خود معرفی کرد و به آنها فرمود: «سخنان او را بشنوید و مطیع او باشید.» مهمانان در حال خروج، با قهقهه و تمسخر به ابو طالب گفتند: «پسرت را بر تو امیر قرار داد»(طبری، ۳۱۹/۲-۳۲۱). برخی از سیره‌نگاران قسمت‌های پایانی روایت فوق را که بر جانشینی امام علی علیه‌السلام دلالت دارد، نقل نکرده‌اند (صالحی شامی، ۳۲۵/۲). عده‌ای نیز روایت طبری را ضعیف دانسته و جریان را به گونه‌ای دیگر آورده‌اند (حلبی، ٤٠٧/١-٤٠٨).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

عالم را عامل حفظ دیانت می‌داند (همو، ۱۱-۱٤). خلیلی در پایان جلد دوم کتاب *زندگانی علی بن ابی‌طالب*ﷺ نیز تصریح می‌کند که اگر آن حضرت در موقع مناسب خود به خلافت می‌رسید یا آن هنگام که به خلافت رسید اوضاع دگرگون نمی‌شد، تاریخ اسلام مجرای دیگری پیدا می‌کرد (همو، *زندگانی علی بن ابی‌طالب*ﷺ، ۲٦۷/۲).

در این میان، لواسانی با تفصیل بیشتری به مسئله جانشینی امام علیﷺ پرداخته است. وی در کنار نشان دادن نقش برجسته حضرت علیﷺ در دوران زندگی پیامبر، در سه جریان یوم الدار، روز غدیر و جریان یوم الخمیس یا همان حدیث قلم و دوات[1] به مسئله جانشینی حضرت علیﷺ پرداخته است. لواسانی با ذکر واقعه دعوت از خویشان و نزدیکان، سخنان پیامبر مبنی بر جانشینی علیﷺ و وصایت او از سوی پیامبر را ذکر کرده و این رخداد تاریخی را دلیلی بر حقانیت علیﷺ در جانشینی آن حضرت می‌داند (لواسانی، ۲۵۷/۲-۲۵۹). وی همچنین، با گزارش تفصیلی جریان غدیر خم و نقل کامل خطبه پیامبر در آن روز، این رخداد را مهم‌ترین دلیل بر حقانیت علیﷺ در جانشینی از پیامبر می‌داند (همو، ۲۹۵-۳۰۷). لواسانی تبریک عمر به امام علیﷺ[2] و بیعت همه مسلمانان با آن حضرت را نیز آورده است (همو، ۳۰۵-۳۰٦). او بر این باور است که آیه، «اکمال» به معنای اتمام دین با جانشینی علیﷺ می‌باشد (همو، ۳۰۷). همچنین لواسانی علاوه بر اینکه حدیث قلم و دوات را ناظر به مسئله جانشینی می‌داند (همو، ۳۱۱)، بر این باور است که پیامبر، در اواخر عمر بارها کوشید علیﷺ را وصی و جانشین خود معرفی کند. آن حضرت از علیﷺ خواستند که انگشتر ایشان را در برابر چشمان اصحابی که حاضر بودند در دست کند تا کسی با او در جانشینی نزاع نکند (همو، ۳۱۲). همچنین، در آخرین لحظات خطاب به مهاجران و انصار، علیﷺ را به عنوان وصی و جانشین خود معرفی کرد و از آنها خواست از دستورات او پیروی

۱. در آخرین پنجشنبه حیات پیامبر، آن حضرت از اطرافیانش خواست برای او قلم و کتفی بیاورند تا مطلبی را بنویسد که بعد از وی گمراه نشوند. در این هنگام، عمر گفت: «درد بر این مرد غلبه کرده، قرآن در میان شما هست، و کتاب خدا ما را کفایت می‌کند». بحث و مجادله بالا گرفت، عده‌ای سخن عمر را تأیید کرده و برخی خواستار آوردن قلم و کتف بودند. پیامبر از این نزاع ناراحت شد و از آنان خواست مجلس را ترک کنند (همان، ٤۸۵/۳).

۲. «بخٍ بخٍ لک یا ابا الحسن! اصبحتَ مولای و مولا کلِ مومنٍ و مومنةٍ» (لواسانی، ۳۰۵/۲).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

کنند و با او مخالفت نکنند تا گمراه نشوند (همان، ۳۱۳). آن حضرت در لحظات پایانی عمرشان بار دیگر بر ولایت و جانشینی حضرت علی علیه‌السلام بعد از خود تأکید کردند، یکی از حاضران که از این سخنان عصبانی بود گفت این را از جانب خودت می‌گویی یا از جانب خدا می‌گویی؟ پیامبر در حالی که عصبانی بود، فرمود: «به امر خدا می‌گویم» (همان، ۳۱٤).

لواسانی در عصر رضا شاه در ایران حضور نداشته که بتوان اثر او را پاسخی به تلاش‌های ضد شیعی رضا شاه و نویسندگان هوادار او دانست. نگارش این کتاب به زبان عربی و ترجمه آن به فارسی پس از دوره رضا شاه بیانگر این است که در ابتدا جامعه هدف او ایرانیان نبوده‌است. تأثیرپذیری ایرانشهر از دگراندیشی‌های قبل از رضا شاه را نباید فراموش کرد. ایرانشهر از طرفداران مشروطه و از تجددطلبانی است که افکار خود را از طریق روزنامه ایرانشهر در ایران نشر می‌داد (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۹۲-۹۳). او با ایدئولوژی حاکم بر حکومت رضا شاه همگرایی داشت. تأکید بر ملی‌گرایی (ایرانشهر، «معارف و معارف‌پروران ایران»، ٦٥/۲-۸۱)، عرفی‌سازی دین و تأکید بر زرتشت‌گرایی (ایرانشهر، «عشق و تظاهرات آن در حیات اجتماعی»، ۵۷۲/۲)، مخالفت با روحانیت (کاظم‌زاده ایرانشهر، ۵۷-٦۲) و باور به عدم عصمت پیامبر (ایرانشهر، *محمد و تعلیمات عالیه اسلام*، ۵۰-٥٤) از مواردی بود که این همگرایی را می‌رساند. تأکید او بر جانشینی امام علی علیه‌السلام از پیامبر نیز در قالب تعالیم صوفیانه او می‌گنجد. همچنان‌که خود نیز چنین تبیین کرده بود. اما محمد علی خلیلی در دوران رضا شاه در ایران می‌زیسته و با فضای برآمده از سیاست‌های رضاشاه مأنوس بوده است. او با نگارش دو کتاب *تأثیر شخصیت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله پیشوای بشر در عالم* و *خلفا راشدین* با نگرش‌های ضد شیعی که در دوره رضا شاه به آنها دامن زده می‌شد، به مقابله برخاست.

۲-۲. همگرایی با آراء کلامی اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر

در برخی از مکتوبات شیعیان ایرانی عصر پهلوی اول درباره مسئله جانشینی پیامبر، علاوه بر دیدگاه شیعی، همگرایی با آراء کلامی اهل سنّت نیز دیده می‌شود. این همگرایی در دو اثر *پیامبر* نوشته زین العابدین رهنما و *خاتم النبیین* نوشته عباس مهرین شوشتری مشهود است. در کنار مواضع دو پهلوی رهنما در این مسئله، مهرین در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

موضعی صریح جانشینی حضرت علی﵇ را انکار کرده است. نوشتار حاضر در پی راستی آزمایی فرضیه تأثیرگذاری سیاست‌های رضا شاه و نیز دگراندیشی موجود در دوران او بر این همگرایی است. از این رو، نمی‌توان مهرین را شاهدی بر این قضیه دانست. زیرا مهرین زاده حیدرآباد هند بوده و دوران کودکی و جوانی خود را در آنجا و عراق و دیگر کشورها گذرانده و تا پس از دوره رضا شاه به ایران نیامده است (مهرین، «تراجم احوال، پروفسور عباس مهرین»، ۹۲-۹۳). بنابراین، علت همگرایی او را باید در زیست اجتماعی و علمی او در شهر میسور هند دانست. شهری که بیش از نیمی از جمعیت آن هندو بوده و بقیه جمعیت آن را اهل سنّت تشکیل می‌داد (عالمی، ۲۷). مهرین عضو هیئت علمی دانشگاه میسور و متأثر از فضای علمی آنجا بود. از این رو، هر چند از علاقه شدید خود به سیدالشهدا﵇ سخن گفته (جمشیدی، ۳۳۲)، با این حال مهرین با اهل سنّت نیز همگرایی داشته است. به همین دلیل، او به طور کلی مسئله جانشینی پیامبر را منکر می‌شود (مهرین، *خاتم النبیین*، ۵۱-۵۲) و بر این باور است که غدیر حکایت ضرورت محبت به علی﵇ است و نه چیز دیگر. از این رو، به مانند سیره‌نگاران اهل سنّت، «مولی» را در عبارت: «من کنت مولا فعلی مولاه» به معنای «دوست» و «بیعت با حضرت علی﵇» را به معنای «عقد برادری» گرفته است (همو، ۲۸٤). او همچنین آیه اکمال را ناظر به تکمیل اسلام با بیان احکام حج می‌داند (همو، ۲۸۳). این همگرایی که در موضوعات دیگر نیز تداوم می‌یابد، از نوعی دگراندیشی در مهرین حکایت می‌کند. این کتاب در سال ۱۳۲٤ و ۱۳٤۹ش بدون تغییر در محتوای آن و با همان آراء سنّی گرایانه تجدید چاپ شد.

دیدگاه رهنما در مسئله جانشینی پیامبر

تحلیل‌های سیره‌نگاران در سه جریان یوم الدار، روز غدیر و حدیث قلم و دوات به تبیین نگرش‌های کلامی آنان کمک خواهد کرد. رهنما در موضوع یوم الدار همگام با شیعیان نقلی را آورده که بر جانشینی حضرت علی﵇ پس از پیامبر دلالت دارد (رهنما، *پیامبر*، ۳۱٦). او این جریان را به نقل از حلبی آورده است. البته حلبی با استناد به سخن ابن تیمیه کوشیده است این خبر را جعلی جلوه دهد (حلبی، ٤۰۳/۱-٤۰۵). در موضوع

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

حدیث قلم و دوات یا همان جریان یوم الخمیس، با بیان این جمله «عمر و دسته او مخالفت می‌کردند»، تلاشی جمعی برای مکتوب نشدن امر پیامبر را نشان داده است. او همچنین جمله عمر مبنی بر اینکه «مرض بر او غلبه کرده، قلم و دوات لازم نیست. قرآن پیش شما است و کتاب خدا برای ما کافیست» را نقل کرده است (رهنما، *پیامبر*، ۷۰۸). رهنما با اشاره به اینکه بعدها بسیاری از مسلمانان گفتند «به واسطه همین تخلف از امر پیغمبر و نیاوردن قلم و دوات چیز مهمی را از میان بردند» (همو)، اهمیت این امر را نشان داده است.

با این وجود، رهنما از پرداختن به جریان غدیر چشم‌پوشی کرده است. رهنما که در این قسمت به نقل از ابن هشام به حجه الوداع پرداخته، به مانند او از ذکر رخداد غدیر طفره رفت (همو، ٦٩٧–٧٠٣). در حالی که می‌توانست به مانند دیگر بخش‌های کتاب، به *سیره الحلبیه* (حلبی، ٣٨٤/٣) یا دیگر منابع اهل سنّت، که این واقعه را ذکر کرده‌اند، ارجاع دهد. یا مانند مواردی که به قول علمای شیعه نیز اشاره کرده[1]، در اینجا نیز این‌گونه عمل کند. چشم‌پوشی رهنما از جریان غدیر انتقاداتی را نسبت به او به دنبال آورد. او ابتدا در پاسخ به این انتقادات گفته بود که این کتاب را برای اهل سنّت نگاشته‌ام (انصاری، پانزده). این پاسخ، توجیهی غیر موجه بود که از شدت انتقادات نکاست. به همین دلیل، رهنما در دهه چهل به اصلاح این بخش پرداخته و با استناد به منابع شیعه جریان غدیر را نقل کرده است.

تبیین علل همگرایی رهنما با اهل سنّت در مسئله جانشینی پیامبر

این همگرایی را باید برآیند موج دگرگونی فکری و عقیدتی دانست که پیش از مشروطه در ایران آغاز و پس از آن نیز ادامه یافت. این دگرگونی بسیاری از تحصیل‌کردگان جامعه و از جمله برخی از روحانیون را در برگرفت. این دگرگونی از مخالفت با مبانی اسلام تا کنار گذاشتن باورهای شیعی متغیر بود. برخی مانند کسروی

۱. رهنما پس از نقل حدیث عشره مبشره، در پاورقی می‌نویسد که شیعه این روایت را قبول ندارد (رهنما، ۳۹۳–۳۹٤). همچنین، در جریان ایمان ابوطالب با نقل سخنان اهل سنت مبنی بر اینکه آیه: «إِنَّکَ لا تَهْدی مَنْ أَحْبَبْتَ» (قصص/ ٥٦)، در شان ابو طالب نازل شده، می‌نویسد که علمای شیعه این را قبول ندارند (همان، ٤٠٤). رهنما این کار را در موضوع غدیر نیز می‌توانست انجام دهد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

که خود مدتی در کسوت روحانیت و دانش آموخته حوزه بود، عـلاوه بـر انکـار دیـن اسلام به تولید دینی جدید روی آوردند. برخی نیز مبـانی تشـیع را زیـر سـوال بـرده و مقوله امامت را خرافه دانستند (حکمی‌زاده، ۱۰-۱٤)[1]. عصر رضا شـاه پهلـوی فرصـت مناسبی بود تا این افراد راحت‌تر دیدگاه‌ها و نظریات خود را عرضه کنند[2]. طبیعـی بـود بسیاری دیگر نیز هر چند به این دگرگونی فکری دچار نشـدند، امـا در وادی تردیـد و تحیّر سرگردان بودند. زین العابدین رهنما از همراهان رضا شاه در پروژه گذار ایـران از جامعه سنتی به یک جامعه غربی بـود. او در عرصـه قانونگـذاری و مجلـس و نیـز در عرصه نشـر افکـار در *روزنامـه ایـران* و *رهنمـا*، از حامیـان رضـا شـاه بـود. رهنمـا بـا تجددطلبانی همچون یحیی دولت آبادی، علی اکبر داور، سید محمـد تـدین و دیگـران همراه بود (رنجبر عمرانی، ۹۷). کنار گذاشتن لباس روحانیت از نشـانه‌هـای دگرگـونی فکری رهنما بود که در فضای موجود برای او ایجاد شده بود. همچنین، کنـار گذاشـتن نام خانوادگی «شیخ العراقین زاده» که بیانگر انتساب وی به خاندانی روحانی بود، یکـی دیگر از نشانه‌های دگرگونی در افکار و تمایلات رهنما می‌باشد. این امور در نگارش او نیز اثر گذاشت. از این رو، با وجود اینکه رهنما هیچ‌گاه تشـیع را انکـار نکـرد، امـا در کتاب *پیامبر* گزارشی مطابق با منابع اهل سنّت ارائه کـرد. ایـن گـزارش در بسـیاری از موارد از جمله جریان غدیر، مخالف باورهای شیعی بود. اما ایـن دگرگـونی بـه مـرور دچار تغییراتی شد. این تغییرات را در کتاب *زندگانی امام حسین*علیه‌السلام او مـی‌تـوان دیـد. البته فکر نگارش این کتاب در زمان رضا شاه و در سال ۱۳۱٤ش، که رهنما به واسـطه غضب رضا شاه به دمشق تبعید شده بود، در ذهن او پدیدار شد. او این کار را آغاز کرد و فصولی از آن را نیز نوشت. اما به یک باره تصمیم گرفت ابتدا درباره زندگی پیامبر که امام حسین‌علیه‌السلام شاخه‌ای از درخت وجود اوست، کتاب بنویسد. رهنما پس از یک دوره زمانی سی ساله کتاب *زندگانی امام حسین*علیه‌السلام را تکمیل و منتشر کـرد. رهنمـا در کتـاب *پیامبر* از مسئله جانشینی و جریان غدیر چشم‌پوشی کرد، اما در مقدمـه کتـاب *زنـدگانی*

۱. علی اکبر حکمی‌زاده به تبع کسروی، در کتاب اسرار هزار ساله به عقاید شیعیان تاخت.

۲. به همین دلیل بود که کسروی از نقش رضا شاه در مخالفت با مراسـم مـذهبی از جملـه مراسـم عـزای امـام حسین‌علیه‌السلام تمجید می‌کند (کسروی، ۷٤).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

*امام حسین*علیه‌السلام می‌نویسد علی و حسین علیهماالسلام در درگاه الوهیت مقام اصلی و نقش اول را دارند (رهنما، *زندگانی امام حسین*علیه‌السلام، ۱/ح-ی). هر چند این عبارت دلالتی بر حقانیت علی علیه‌السلام در جانشینی پیامبر نمی‌کند، اما می‌تواند بیانگر نقش برجسته آن حضرت در هستی باشد. یادکرد از امام حسین علیه‌السلام به عنوان امام سوم و به جا دانستن گریه برای ایشان[1] تأکیدی بر باورهای شیعی نویسنده است (همو، ۱/ز).

رهنما با تقدیر از کسانی که درباره واقعه عاشورا کتاب نوشته‌اند، نپرداختن به وقایع پیش از عاشورا و جدا کردن آن از تاریخ اسلام را از ایرادات این گونه آثار می‌داند. او بر این باور است که باید واقعه کربلا را در ضمن شرح اوضاع جامعه آن عصر بیان کرد و روشن نمود در کجا و چگونه و تحت تأثیر چه عواملی بوجود آمده است (همو، ۱/ک). بررسی تحولات پس از پیامبر در این کتاب حاکی از آن است که رهنما انحراف از مسیر خلافت را یکی از عوامل وقوع واقعه عاشورا می‌داند. از این رو، در فصل چهارم کتاب با لحنی عتاب آمیز از مشغول شدن ابوبکر و عمر و عثمان به گرفتن بیعت از مردم سخن گفته[2] و از مشغولیت علی علیه‌السلام «پیشوای پرهیزکاران» به کفن و دفن پیامبر به عظمت یاد کرده است (همو، ۱۷/۱). رهنما از اهل بیت به خانواده «رسالت» و «امامت» یاد می‌کند (همو، ۱۸۷/۱). بر خلاف کتاب *پیامبر*، در این کتاب رهنما نقش علی علیه‌السلام را برجسته کرده‌است (همو، ۴۹/۲-۱۹۲). تأکید او بر جایگاه ائمه در هستی، اهتمام به برجسته کردن تأثیر انحراف خلافت از مسیر اصلی در وقوع واقعه عاشورا، تأکید بر عظمت گریه برای امام حسین علیه‌السلام بیانگر نگرش‌های شیعی و دور شدن از دگراندیشی‌هایی است که در دوره رضا شاه در جامعه روشنفکری ایران رواج پیدا کرده بود. در همین برهه بود که رهنما کتاب *پیامبر* را اصلاح کرد و به واقعه غدیر نیز اشاره کرد. هر چند اصلاح او با ارجاع به کتاب نه چندان معتبر *ناسخ التواریخ* و احتراز از ارجاع دادن به منابع معتبر و دست اول، کاری ناتمام بود، اما پذیرش این اصلاح خود

۱. در حالی که کسروی بر گریه کردن به کشتگان کربلا ایراد گرفته و آن را به دور از خرد می‌داند (همان، ۴۳).

۲. آن روزی که ابوبکر پس از فوت پیامبر بدستیاری همراهانش در مسجد مدینه خود را بخلافت رسانید ... در آن ساعت همه دیدند او [امام علی (ع)] به چه کاری مشغول بود و دیگران به چه کار (رهنما، *زندگانی امام حسین (ع)*، ۱۷/۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

بیانگر عدم تقابل رهنما با باورهای شیعی است. در حالی که مهـرین در سـال ۱۳٤۹ش کتاب *خاتم النبیین* خود را بدون هیچ تغییـری در دیـدگاه‌هـای ضـد شـیعی مجـدد بـه چاپ رساند.

نتیجه‌گیری

مسـئله چالشـی جانشـینی پیـامبر، در مکتوبـات شـیعیان ایرانـی عصـر پهلـوی اول بازتاب‌های متفاوتی داشته است. در این دوره، پنج تک‌نگاری درباره سیره پیامبر توسط شیعیان ایرانی نوشته شده‌است. از این میان ایرانشهر، لواسانی و خلیلـی دیـدگاه شـیعه مبنی بر حقانیت حضرت علی علیه‌السلام در جانشینی پیامبر را دنبال کرده‌اند. ایرانشهر هر چند بر باورهای شیعی در مسئله جانشینی تأکید کرده، اما روحیـه تجـددخواهی، تأکیـد بـر ملی‌گرایی، ایرانی‌گرایی و کوتاه کردن دسـت علمـا از منـابع قـدرت از نقـاط اشـتراک دیدگاه او با سیاستهای رضا شاه بود. لواسانی عالم شیعی ساکن عراق نیز اثری در تقابل با آراء عصر پهلوی نوشت. خلیلی نیز در کتاب *تـأثیر شخصـیت محمـد صلی‌الله‌علیه‌وآله در عـالم و خلفا راشدین*، بر حق جانشینی امام علی علیه‌السلام از پیامبر تأکید کـرده اسـت. بـا ایـن حـال، عباس مهرین در کتاب *خاتم النبیین* و زین العابـدین رهنمـا در کتـاب *پیـامبر* از مسـئله جانشینی امام علی علیه‌السلام چشـم‌پوشـی کردنـد. علـت ردّ و انکـار مهـرین را مـی‌تـوان در تأثیرپذیری او از فضای اجتماعی و علمی میسورِ هند دانسـت. امـا رهنمـا نمونـه بـارز تأثیرپذیری از فضای ضد شیعی عصر رضا شاه است. در حقیقت فرضیه نوشتار حاضـر مبنی بر تأثیرگذاری سیاست‌های رضاشاه بر همگرایـی بـا آراء اهـل سـنّت تأییـد شـد. همچنین، روشن شد رهنما متأثر از فضای موجـود از ذکـر جریـان غـدیر و تأکیـد بـر جانشینی امام علی علیه‌السلام امتناع کرده است، به همین‌رو وی پس از رضا شاه، خصوصاً پس از نهضت امام خمینی (ره) در خرداد سال ۱۳٤۲ش، کتاب *پیامبر* را اصلاح کرد و واقعه غدیر را در آن گنجانده است. تأکید وی بـر باورهـای شـیعی در کتـاب *زنـدگانی امـام حسین* علیه‌السلام نمونه بارزی از تأثیرپذیری نویسنده از سیاستهای زمانه است.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

منابع

ـ *قرآن کریم*، ترجمه فولادوند.

ـ آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتّاحی ولیلایی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۹ش.

ـ آقا بزرگ، محمد محسن، *الذریعة إلي تصانیف الشیعة*، قم-تهران: اسماعیلیان-کتابخانه اسلامیه، ١٤٠٨ق.

ـ ابن هشام، عبد الملک بن هشام الحمیری المعافری، *السیرة النبویة*، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبد الحفیظ شلبی، بیروت: دار المعرفة، ۱۹۵۵م.

ـ انصاری، محمد علی، *محمد پیغمبر شناخته شده*، قم: چاپ حکمت قم، ١٣٤٤ق.

ـ باوسانی، الساندرو، مقاله «اروپا و ایران در ادبیات نوین ایران» در *ادبیات نوین ایران*، گردآوری یعقوب آژند، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۳ش.

ـ بهبودی، سلیمان، «خاطرات سلیمان بهبودی: بیست سال با رضا شاه»، در *رضا شاه: خاطرات سلیمان بهبودی، شمس پهلوی، علی ایزدی*، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، تهران: ۱۳۷۲ش.

ـ بغدادی، صفی الدین عبد المؤمن بن عبد الحق، *مراصد الاطلاع علي اسماء الامکنة و البقاع*، بیروت: دار الجیل، ١٤١٢ق.

ـ بنی آدم، حسین، *کتابشناسی موضوعی ایران (۱۳۴۳-۱۳۴۸)*، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲ش.

ـ جمشیدی، اسماعیل، «دیدار با پرفسور عباس مهرین شوشتری»، *بخارا*، سال پانزدهم، شماره ۸۹ و ۹۰، ۱۳۹۱ش.

ـ حامدی، زهرا، *مبانی ایدئولوژی حاکمیت و تاثیر آن بر متون و مواد درسی در عصر پهلوی اول*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۵ش.

ـ حلبی شافعی، ابوالفرج، *السیرةالحلبیة (إنسان العیون فی سیرة الأمین المأمون)*، بیروت: دارالکتب العلمیة، ١٤٢٧ق.

ـ خلیلی، محمد علی، *تاثیر شخصیت محمد پیشوای بشر در عالم*، تهران: کتابفروشی

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

اسلامیه، ۱۳۲۰ش.
ـ همو، *خلفا راشدین*، تهران-تبریز: شرکت چاپ کتاب، ۱۳۲۰ش.
ـ همو، *زندگانی علی بن ابی‌طالب (ع)*، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، بی‌تا.
ـ دیگار، ژان پیر، دیگران (برنار هورکاد و یان ریشار)، *ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر، تهران*: نشر البرز، ۱۳۷۸ش.
ـ دیار بکری، حسین، *تاریخ الخمیس فی أحوال أنفس النفیس*، بیروت: دارالصادر، بی‌تا.
ـ رنجبر عمرانی، حمیرا، «انجمن قلم ایران»، *مطالعات تاریخی*، شماره ۱۸، ۱۳۸٦ش.
ـ رهنما، زین العابدین، *پیامبر*، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۳٦ش.
ـ همو، *پیامبر*، تهران: انتشارات زوار، ۱۳٤۸ش.
ـ همو، *زندگانی امام حسین بن علی بن ابی طالب (ع)*، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳٤٥ش.
ـ رفاعی، عبد الجبار، *معجم ما کتب عن الرسول و أهل بیته*، تهران: وزارت ارشاد، ۱۳۷۱ش.
ـ صالحی شامی، محمد بن یوسف، *سبل الهدي و الرشاد في سیرة خیر العباد*، تحقیق عادل احمد عبد الموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیۀ، ۱٤۱٤ق/۱۹۹۳م.
ـ طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، تحقیق محمد ابو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۳۸۷ق/۱۹٦۷م.
ـ عالمی، احمد، *آشنایی با کشور هندوستان*، دهلی نو: خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱ش.
ـ فوران، جان، *مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران، از صفویه تا سال‌های پس از انقلاب اسلامی*، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸٥ش.
ـ کاظم‌زاده ایرانشهر، حسین، *محمد و تعلیمات عالیه اسلام*، حسین کاظم زاده ایرانشهر، ترجمه مجذوب صفا، تهران: اقبال، ۱۳٤۳ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]

ـ همو، «عشق و تظاهرات آن در حیات اجتماعی»، *مجله ایرانشهر*، تهران: اقبال، اول، ۱۳٦۳ش.
ـ همو، «معارف و معارفپروران ایران»، *مجله ایرانشهر*، تهران: اقبال، اول، ۱۳٦۳ش.
ـ کاظم‌زاده ایرانشهر، کاظم، *آثار و احوال کاظم زاده ایرانشهر*، تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۵۰ش.
ـ گودرزی، حسین، *بررسی تحلیلی نشر کتاب دینی در ایران*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹٤ش.
ـ لواسانی، حسن، *تاریخ النبی احمد (جلد اول)*، صیدا: مطبعه العرفان، ۱۳۵۹ق.
ـ همو، *تاریخ النبی احمد (جلد دوم)*، صیدا: مطبعه العرفان، ۱۳٦۷ق.
ـ مشار، خانبابا، *فهرست کتابهای چاپی فارسی*، تهران: چاپخانه ارژنگ، ۱۳۵۱ش.
ـ مکی، حسین، *تاریخ بیست ساله ایران*، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷٤ش.
ـ مهرین شوشتری، عباس، «تراجم احوال، پروفسور عباس مهرین»، *وحید*، شماره ۲٦، ۱۳٤٤ش.
ـ همو، *خاتم النبیین و آموزش اسلام*، تهران: کلاله خاور، ۱۳۲٤ش.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-23]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1396.1.26.2.4]